

وضعیت حقوق بشر در میانمار و نحوه ارجاع آن به شورای امنیت

ارجاع موضوع حقوق بشر میانمار به شورای امنیت اگرچه به عنوان یک موفقیت برای شورا به حساب می‌آید، اما اساساً با استمرار مخالفت چین و روسیه با هر گونه صدور قطعنامه تنبیهی اعم از اعمال تحریم‌های بین‌المللی و یا استفاده از زور علیه دولت این کشور، عملاً نتایج ملموسی برای اعمال فشار بیشتر بر میانمار به دنبال نخواهد داشت. مخالفت چین و روسیه با گنجاندن وضعیت حقوق بشری در میانمار در دستور کار شورای امنیت گویای این است که این کشورها از باز شدن مجدد آشکار باب مسائل حقوق بشری در شورای امنیت ناخشنود می‌باشند، به ویژه آنکه این حربه ممکن است عنداللزوم علیه خود این کشورها نیز بکار گرفته شود. با این وجود نفس تحقق چنین رهیافتی از سوی شورا به عنوان یک موفقیت برای آن نهاد به شمار می‌رود و حتی می‌تواند دستمایه‌ای برای به کارگیری رهیافت مزبور در موارد مشابه قرار گیرد. اگرچه استمرار آن با مشکلات جدی نیز روبرو خواهد بود.

بی‌ثباتی گردیده و ارتش به فرماندهی ژنرال نی وین با احساس خطر نسبت به تجزیه کشور، مجدداً در تاریخ ۲ مارس ۱۹۶۲ اقدام به کودتای نظامی نمود. وی با در دست گرفتن کامل قدرت یک دولت سوسیالیستی اعلام و برای اداره امور کشور شورایی مرکب از افسران نظامی به نام شورای انقلاب تشکیل داد. در سال ۱۹۷۲ ژنرال نی‌وین به همراه تعداد دیگری از افسران عضو شورای انقلاب از ارتش بازنشسته گردید و حزب برنامه سوسیالیست برمه را تحت رهبری خود تأسیس نمود. متعاقب استقرار قانون اساسی جدید در سال ۱۹۷۴ ژنرال نی وین به عنوان رئیس‌جمهور این کشور برگزیده شد. وی در سال ۱۹۸۱ از ریاست جمهوری کناره گرفته اما

میانمار (برمه سابق) از جمله کشورهایی است که در سال ۱۹۴۸ استقلال خود را از استعمار انگلیس بازستاند. ابتدا احزاب کمونیست در این کشور قدرت را دست گرفتند و بتدریج با بروز اختلاف در میان احزاب کمونیست و احساس خطر ارتش از برخی گروه‌های جدائی طلب، ژنرالی "نی وین" فرمانده وقت ارتش با کنار زدن دولت غیرنظامی، اداره کشور را به طور کامل در اختیار گرفت. در این میان حدود ۳۰۰ تن از طرفداران احزاب کمونیست بازداشت و عده‌ای نیز از کشور اخراج شدند. به دنبال استقرار ثبات در کشور، انتخابات پارلمانی در سال ۱۹۶۰ برگزار شده و یک دولت غیرنظامی زمام امور را در دست گرفت. دیری نپایید که اوضاع کشور مجدداً دستخوش

رهبری حزب برنامه سوسیالیست برمه را تا سال ۱۹۸۸ به عهده داشت. با افزایش تظاهرات گروه‌ها و احزاب مختلف بویژه حزب کمونیست برمه در سال ۱۹۸۸، ژنرال "سا مونگ" از فرماندهان ارشد ارتش در تاریخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۸ با انجام کودتا در این کشور، اجرای قانون اساسی را معلق نمود. وی با تشکیل شورایی به نام شورای از سرگیری نظم، خود را رئیس شورا و نخست وزیر کشور اعلام کرد. دولت نظامی برمه در سال ۱۹۸۹ نام این کشور را از برمه به میانمار تغییر داد و با اعلام از سرگیری اجرای قانون اساسی سال ۱۹۷۴، اقدام به برگزاری انتخابات سراسری پارلمانی در سال ۱۹۹۰ نمود. در این انتخابات خانم آن سوچی (۱) رهبر حزب مجمع ملی برای دموکراسی^۱ توانست ۸۲ درصد کرسی‌های پارلمان را بدست آورد، اما دولت نظامی از پذیرش نتیجه انتخابات خودداری و بسیاری از رهبران حزب مجمع ملی برای دموکراسی از جمله رهبر آن خانم سوچی را دستگیر و راهی زندانی نمود.

با جلوگیری دولت نظامی از تشکیل دولت جدید به رهبری خانم سوچی رهبر حزب مجمع ملی برای دموکراسی و دستگیری تعدادی از رهبران حزب مزبور، کشورهای غربی به ویژه آمریکا و انگلیس موضوع بازگشت دموکراسی به این کشور و آزادسازی زندانیان سیاسی و در مجموع بهبود وضعیت حقوق بشر در میانمار را مطالبه نموده و قطعنامه‌های متعددی را علیه دولت این کشور از تصویب مجامع بین‌المللی گذراندند. این کشورها از سال ۲۰۰۶ با تلاش فراوان سعی نمودند موضوع حقوق بشر میانمار را به شورای امنیت کشانده و از طریق این شورا به اعمال فشار علیه دولت میانمار بپردازند.

نگارنده به لحاظ اهمیت موضوع و نظر به ضرورت آگاهی از چگونگی تعامل کشورهای غربی با وضعیت حقوق بشر کشورها و نحوه طرح وضعیت حقوق بشر میانمار در شورای امنیت، فرآیند تدریجی تحولات منجر به ارجاع موضوع مزبور به شورا را در دو بخش جداگانه مورد توجه و بررسی قرار داده است.

الف- طرح وضعیت حقوق بشر میانمار در مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر

پیروزی حزب خانم آن سان سوچی در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۰ و عدم پذیرش نتیجه این انتخابات توسط دولت میانمار، موجب شد تا مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۱ اولین قطعنامه را در خصوص اوضاع سیاسی میانمار صادر نماید. مهمترین بند قطعنامه مزبور تقاضا برای بازگشت دموکراسی به میانمار بود. (۲) متعاقباً کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل با صدور قطعنامه‌ای در ۳ مارس ۱۹۹۲ اقدامات دولت میانمار در خصوص بازداشت فعالان سیاسی را محکوم و گزارشگر ویژه‌ای را برای برقراری ارتباط مستقیم با دولت، مردم، رهبران سیاسی و سایر اقدشار جامعه و نیز تهیه گزارش از وضعیت حقوق بشر در این کشور تعیین نمود. (۳)

باتوجه به استمرار حاکمیت نظامیان در میانمار مجمع عمومی سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۱ تا پایان سال ۲۰۰۷ (به مدت ۱۶ سال) هر ساله مبادرت به صدور قطعنامه علیه دولت میانمار نمود. در این قطعنامه‌ها از اوضاع حقوق بشر در این کشور ابراز نگرانی شده و از دبیرکل سازمان ملل متحد خواسته شده است تا با اعزام نماینده خود به میانمار گزارش‌هائی را در رابطه با وضعیت حقوق بشر آن کشور تهیه و به مجمع عمومی ارائه دهد.

1. National League for Democracy

همچنین کمیسیون سابق حقوق بشر از سال ۱۹۹۲ به بعد ضمن تصویب قطعنامه‌های متعدد علیه میانمار، اعزام گزارشگر ویژه به این کشور را نیز در دستور کار قرار داد. درخواست آزادی خانم آن سان سوچی، بازگشت دموکراسی به این کشور، برقراری گفتگو با مقامات دولتی، توجه به وضع زندانیان سیاسی، ابراز نگرانی از عدم وجود آزادی احزاب و جلوگیری از برگزاری اجتماعات و وجود شکنجه و قتل در زندان‌ها و اعمال خشونت و تبعیض علیه اقلیت‌ها از جمله موارد مهمی بود که در قطعنامه‌های صادره از کمیسیون حقوق بشر وقت به آنها اشاره می‌گردید.

در همین راستا مجمع عمومی سازمان ملل متحد در چهل و هشتمین اجلاس سالانه خود در سال ۱۹۹۳ به هنگام تصویب قطعنامه (۴) علیه دولت میانمار به قطعنامه کمیسیون حقوق بشر مورخ ۱۰ مارس ۱۹۹۳ (۵) اشاره و از دبیرکل برای اجرای قطعنامه در حال تصویب خود استمداد خواست. براساس درخواست مزبور دبیرکل بایستی گزارش اقدامات خود درخصوص وضعیت حقوق بشر در میانمار را در سال ۱۹۹۴ به مجمع عمومی ارائه دهد. از این تاریخ به بعد با توجه به قطعنامه‌های صادره دبیرکل موظف گردید که هر ساله گزارشی را در خصوص وضعیت حقوق بشر در میانمار همزمان به مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر (و از سال ۲۰۰۶ به شورای حقوق بشر) ارائه دهد.

با ممانعت دولت میانمار از پذیرش نماینده ویژه دبیرکل و همچنین گزارشگر ویژه حقوق بشر در سال ۲۰۰۳ فشار کشورهای غربی علیه میانمار از شدت بیشتری برخوردار شد. به طوری که با حمایت این کشورها مجمع عمومی قطعنامه‌ای (۶) را علیه وضعیت حقوق بشر در میانمار تصویب نمود که برای اولین بار در آن به

تعدادی از کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون منع و مجازات نسل کشی، کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و قطعنامه ۱۴۶۰ صادره از سوی شورای امنیت (۷) در خصوص کودکان و درگیری‌های مسلحانه اشاره گردیده بود. قطعنامه مزبور همچنین برای اولین بار از نقض مکرر حقوق بشر در کشور میانمار ابراز نگرانی کرد.

در سال ۲۰۰۴ مجمع عمومی با صدور قطعنامه‌ای (۸) ضمن اشاره به قطعنامه‌های شماره ۱۴۶۰ و ۱۵۳۹ (۹) شورای امنیت در مورد کودکان و درگیری‌های مسلحانه، مجدداً برنقض پی‌درپی حقوق بشر در میانمار تأکید کرد. در سال ۲۰۰۵ نیز مجمع عمومی در راستای صدور قطعنامه‌های هرساله علیه میانمار، مبادرت به صدور قطعنامه‌ای کرد که ضمن آن تعداد دیگری از قطعنامه‌های شورای امنیت، شامل قطعنامه ۱۳۲۵ مورخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۰ درخصوص زنان، صلح و امنیت، قطعنامه ۱۲۶۵ مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۹ و قطعنامه شماره ۱۲۹۶ مورخ ۱۲ آوریل ۲۰۰۰ درخصوص غیر نظامیان و درگیری‌های مسلحانه و قطعنامه ۱۶۱۲ مورخ ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۵ درخصوص کودکان و درگیری‌های مسلحانه، مورد توجه قرار داده شد.

ب- ارجاع تدریجی وضعیت حقوق بشر در میانمار به شورای امنیت

در تاریخ ۱۶ دسامبر ۲۰۰۵ به دنبال درخواست دولت آمریکا (۱۰) از دبیرخانه سازمان ملل مبنی بر ضرورت برگزاری جلسه توجیهی در خصوص وضعیت میانمار، شورای امنیت اولین جلسه خود را در ارتباط با موضوع حقوق بشر در این کشور برگزار نمود. در این جلسه ابراهیم قنبری نماینده ویژه دبیرکل در امور میانمار وضعیت انسانی در این کشور را اضطراری عنوان کرد. (۱۱) در جلسه مزبور آمریکا و کشورهای اروپائی

برخلاف نظر کشورهای چین، روسیه و ژاپن که موضوع میانمار را صرفاً حقوق بشری ارزیابی کرده و با گنجاندن آن در دستور کار شورا مخالفت نمودند، وضعیت این کشور را به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت و ثبات منطقه‌ای تلقی کرده و خواستار گنجاندن موضوع وضعیت حقوق بشر در میانمار در دستور کار شورای امنیت گردیدند. با مخالفت شدید چین و روسیه نسبت به گنجاندن موضوع حقوق بشر میانمار در دستور کار شورای امنیت، کشورهای غربی در رسیدن به هدف خود در این ارتباط بازماندند. (۱۲)

به دنبال تشدید تنش‌ها و درگیری‌ها در میانمار و متعاقب سفر ابراهیم قنبری به میانمار که از تاریخ ۱۸ لغایت ۲۰ ماه مه ۲۰۰۶ پس از قریب به گذشت ۲ سال صورت پذیرفت، اعضای شورای امنیت به ویژه آمریکا و کشورهای اروپائی خواستار برگزاری دومین جلسه توجیهی در خصوص وضعیت میانمار گردیدند.

در همین رابطه جان بولتون سفیر وقت آمریکا در سازمان ملل ابتدا در تاریخ اول سپتامبر ۲۰۰۶ با ارسال نامه‌ای به ریاست وقت شورای امنیت، ضرورت تشکیل جلسه شورا به منظور بررسی وضعیت حقوق بشر در میانمار را مورد تأکید قرار داده و خواستار گنجاندن موضوع حقوق بشر این کشور به صورت رسمی در دستور کار شورای امنیت گردید. در پی ارسال نامه اولیه، جان بولتون مجدداً در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۶ نامه دیگری را برای رئیس وقت شورای امنیت ارسال نمود. (۱۳) در این نامه با ابراز نگرانی نسبت به وخیم‌تر شدن وضعیت حقوق بشر و شرایط بشردوستانه در میانمار و ذکر موارد متعددی از نقض حقوق بشر در این کشور، توضیح فوری مقامات دبیرخانه و تشکیل جلسه شورا و گنجاندن موضوع وضعیت حقوق بشر در میانمار در دستور کار شورای امنیت

با توجه به مخاطره افتادن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی درخواست شده بود. (۱۴) شورای امنیت در بعد از ظهر همان روز (۱۵ سپتامبر ۲۰۰۶) جلسه‌ای به همین منظور برگزار و موضوع گنجاندن موضوع وضعیت حقوق بشر در میانمار در دستور کار شورای امنیت را مورد بحث و تبادل نظر قرار داد. نماینده چین در مخالفت با درخواست آمریکا اعلام نمود که بر اساس منشور ملل متحد تنها مواردی که صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند می‌تواند در دستور کار شورا قرار گیرد. وی تصریح نمود که اگر موضوعاتی چون حقوق بشر بخواهد در دستور کار شورا قرار گیرد به ناچار همه کشورهایایی که با چنین موضوعاتی مواجه هستند می‌توانند در دستور کار شورا بگیرند که یک امر نامعقول به حساب می‌آید. (۱۵)

در پایان جلسه مزبور بر روی موضوع فوق (گنجاندن وضعیت حقوق بشر در میانمار در دستور کار شورای امنیت) رأی‌گیری به عمل آمد که با ۱۰ رأی مثبت و ۴ رأی منفی (چین، روسیه، قطر و کنگو) و یک رأی ممتنع تانزانیا به تصویب رسید. (۱۶) اتخاذ چنین تصمیمی از سوی شورای امنیت موجب شد تا بحث میانمار از این پس در دستور کار شورای امنیت قرار گیرد و در فواصل مختلف به آن پرداخته شود.

با قرار گرفتن موضوع حقوق بشر میانمار در دستور کار شورای امنیت، راه برای طرح قطعنامه علیه این کشور در شورا فراهم گردید. در همین ارتباط دو کشور انگلیس و آمریکا در تاریخ ۱۲ ژانویه ۲۰۰۷ پیش‌نویس قطعنامه‌ای (۱۷) را به شورا ارائه دادند که با وتوی چین و روسیه به تصویب نرسید. (۱۸)

در پی تظاهرات مانک‌ها و سایر اقشار مردم در میانمار و برخورد نیروهای امنیتی با مخالفان در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۷، شورای امنیت تحت تأثیر تلاش زیاد

آمریکا و انگلیس بار دیگر در خصوص تحولات بوجود آمده در میانمار، موضوع وضعیت حقوق بشر در این کشور را مجدداً مورد توجه قرار داد. کشورهای مزبور با کمک سایر کشورهای هم‌فکر در شورای امنیت سعی نمودند با ارائه پیش نویس قطعنامه‌ای متضمن اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه میانمار در ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۷، نظر سایر کشورها از جمله چین و روسیه را به صدور قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت جلب نمایند. اما این امر با مخالفت چین و روسیه مواجه شد، به طوری که کشورهای مزبور از تصویب قطعنامه علیه میانمار ناامید گردیدند. (۱۹) نماینده دائم چین در جلسه شورای امنیت پیرامون موضوع فوق اعلام نمود که تحریم‌های اقتصادی ابزار مؤثری برای بهبود اوضاع حقوق بشر در میانمار به حساب نمی‌آید.

در تاریخ ۵ اکتبر ۲۰۰۷ شورای امنیت به منظور استماع گزارش سفر ابراهیم قنبری مجدداً جلسه‌ای را برگزار نمود و مقرر گردید جلسه دیگری به منظور بحث و بررسی بیشتر پیرامون موضوع در تاریخ ۱۱ اکتبر ۲۰۰۷ برگزار شود. شورای امنیت جلسه خود را در تاریخ فوق برگزار نمود و اعضا موافقت کردند که رئیس شورا بیانیه‌ای را برای اولین بار تحت عنوان بیانیه ریاست در خصوص تحولات میانمار صادر نماید. (۲۰) بیانیه مزبور به اجلاس ویژه شورای حقوق بشر که در ۲ اکتبر ۲۰۰۷ قطعنامه‌ای را علیه میانمار به تصویب رسانده بوده اشاره و ضمن حمایت از مأموریت نماینده ویژه دبیرکل و تقاضا برای آزادی قریب الوقوع تمامی زندانیان سیاسی از جمله خانم سوچی، از دولت میانمار خواست که شرایط لازم را برای گفتگوی واقعی بین رهبران احزاب و دولت فراهم آورد. در این بیانیه همچنین از برخی اقدامات دولت میانمار استقبال گردید.

با ادامه تنش‌ها در میانمار شورای امنیت اقدام به صدور یک بیانیه مطبوعاتی درخصوص تحولات این کشور در ۱۴ نوامبر ۲۰۰۷ نمود. (۲۱) در بیانیه مزبور انجام انتظارات شورای امنیت مصرحه در بیانیه ریاست شورا (۱۱ اکتبر ۲۰۰۷)، متضمن آزادی قریب الوقوع تمامی زندانیان سیاسی و ایجاد شرایط لازم برای گفتگو بین رهبران احزاب و دولت مورد تأکید قرار گرفته و از مأموریت نماینده ویژه دبیرکل در میانمار حمایت به عمل آمد. این بیانیه همچنین بر همکاری کامل دولت با مأموریت ابراهیم قنبری تأکید کرده و از اعضای آسه آن درخواست نمود که از انتقال مسالمت‌آمیز به سمت دموکراسی و مأموریت حسن نیت سازمان ملل در میانمار حمایت نمایند.

در ۱۷ ژانویه ۲۰۰۸ شورای امنیت مجدداً بیانیه مطبوعاتی راجع به وضعیت میانمار صادر نمود. (۲۲) در این بیانیه آمده است که اعضای شورا موضوع میانمار را در حضور نماینده ویژه دبیرکل مورد بحث و تبادل نظر قرار داده و حمایت خود را از ادامه تلاش‌های وی اعلام کردند. همچنین اعضا ضمن ابراز تأسف از روند کند پیشرفت در اجرای بیانیه ریاست مورخ ۱۱ اکتبر ۲۰۰۷ و درخواست مراجعت مجدد ابراهیم قنبری فرستاده ویژه دبیرکل به میانمار، بر اجرای مفاد بیانیه مزبور تأکید نمودند.

نگاهی به عملکرد شورای امنیت در خصوص وضعیت حقوق بشر در میانمار گویای این امر است که اولاً این شورا با زمینه‌سازی‌های گسترده و ارتباط دادن موضوع حقوق بشر این کشور با حقوق بشر دوستانه توانسته است وضعیت حقوق بشری در میانمار را در دستور کار خود قرار دهد که این امر به خودی خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ثانیاً اینکه شورای امنیت پس از قرار دادن موضوع در دستور کار خود نتوانسته است تاکنون قطعنامه‌ای را علیه میانمار براساس ارتباط موضوع حقوق بشر این کشور با تهدید صلح و امنیت بین‌المللی به تصویب برساند و آنچه تاکنون انجام گرفته است تنها صدور یک بیانیه ریاست و دو بیانیه مطبوعاتی بوده است. این امر نشان می‌دهد که ارجاع موضوع حقوق بشری کشورها به شورای امنیت و متعاقباً صدور قطعنامه علیه آنها حتی در وخیم‌ترین وضعیت‌ها بسیار دشوار خواهد بود.

با این وجود به نظر می‌رسد با توجه به قرار گرفتن موضوع حقوق بشر میانمار در دستور کار شورای امنیت، در مواقعی شورای مزبور با تحولات و تنش‌های جدید در این کشور اقدام به صدور چنین بیانیه‌هایی نموده و در صورت اعمال فشار برخی قدرت‌ها نهایتاً قطعنامه‌هایی را اگرچه به صورت خیلی ضعیف صادر نماید.

باید توجه داشت که استفاده از اهرم فشار شورای امنیت برای اعمال فشار بر کشورها در دوران پس از جنگ جهانی دوم مورد توجه و انتقاد محافل سیاسی و حقوقی در دنیا بوده و قطعنامه‌های ارائه شده غالباً تحت تأثیر وتوی کشورهای دیگر کمتر به مرحله تصویب می‌رسید. این روند تا سال ۱۹۹۰ استمرار یافته به طوری که شورای امنیت به ندرت در مسائل حقوق بشری وارد می‌شد. اما از زمان پایان جنگ سرد تاکنون، شورای امنیت به صورت گسترده در مسائل مربوط به حقوق بشر دوستانه دخالت نموده است. شورا طی این سال‌ها علاوه بر مداخله حقوق بشر دوستانه در کشورهایی نظیر عراق، سومالی، رواندا، یوگسلاوی سابق و همچنین در واکنش به آنچه نقض‌های فاحش حقوق بشر در نامیبیا، آنگولا، السالوادور کامبوج و موزامبیک عنوان گردیده است (۲۳) قطعنامه‌های متعددی را که متضمن اعمال مجازات‌های

تجاری، اقتصادی و سیاسی براساس فصل هفتم منشور ملل متحد و اقدام به استفاده از زور و نیروی قهریه به دلیل وضعیت‌های حاصله از شرایط داخلی این کشورها از جمله هجوم آوارگان به مرزهای بین‌المللی و یا تهدید شدن جان انسان‌ها بر اثر جنگ‌های داخلی به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی صادر نموده است.

نتیجه‌گیری

شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال‌های پس از جنگ سرد با تفسیر موسعی که از منشور ملل متحد در ارتباط با ماهیت و گستره تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورده، توجیهاتی را برای مشروعیت بخشیدن به مداخلات حقوق بشر دوستانه و حتی حقوق بشری خود طی این سال‌ها بر اساس فصل هفتم منشور ارائه داده است، زیرا ماده ۲ منشور ملل متحد (بند ۴ و ۷) بر منع توسل به زور و حتی عدم دخالت سازمان ملل در اموری که اساساً در صلاحیت داخلی دولت‌ها می‌باشد، تأکید دارد.

از این رو اقدامات و مداخلات حقوق بشری شورا طی این سال‌ها درخصوص آوارگان، سرکوب گسترده مردم، گرسنگی و قحطی و دموکراسی با تلقی موارد مزبور به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی انجام پذیرفته و در واقع با قرار دادن این اقدامات ذیل فصل هفتم منشور، از صلاحیت داخلی کشورهای عضو خارج نموده است.

درخصوص وضعیت حقوق بشر در میانمار نیز قصد شورا دنبال کردن همین رویه بوده است. اما با توجه به اینکه بحث‌های حقوق بشری میانمار و ارتباط دادن آن با صلح و امنیت بین‌المللی در شرایط جدیدی که روسیه و چین از موقعیت برتری نسبت به سال‌های گذشته برخوردار شده‌اند بسیار سخت می‌نمود، ضرورت داشت

ابتدا آمادگی‌های لازم در سطح افکار عمومی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در این خصوص فراهم گردد. از این رو زمینه‌سازی برای ارجاع موضوع حقوق بشر در میانمار به شورای امنیت ابتدا در قطعنامه مصوب مجمع عمومی سال ۲۰۰۳ صورت گرفت. از این رو اشاره به قطعنامه ۱۴۶۰ شورای امنیت در خصوص کودکان و درگیری‌های مسلحانه و تعدادی از کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی و کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و درج عبارت نقض سیستماتیک حقوق بشر در کشور میانمار برای اولین بار در قطعنامه مزبور نقطه شروعی برای ارتباط دادن مسائل حقوق بشری میانمار به مباحث صلح و امنیت بین‌المللی و مآلاً مداخله حقوق بشری در این کشور بود. در همین رابطه قطعنامه مصوب مجمع عمومی در سال ۲۰۰۴ نیز به تعداد بیشتری از قطعنامه‌های شورای امنیت شامل قطعنامه‌های شماره ۱۳۲۵، ۱۲۶۵، ۱۲۹۶ و ۱۶۱۲ به ترتیب در خصوص زنان، صلح و امنیت، غیرنظامیان و درگیری‌های مسلحانه و کودکان و درگیری‌های مسلحانه اشاره گردید. ارتباط دادن موضوع حقوق بشر در میانمار با قطعنامه‌های مزبور که مشخصاً به مسائل صلح و امنیت بین‌المللی مربوط می‌شود، گام بلندی در جهت آماده سازی اذهان جامعه بین‌المللی برای ورود شورای امنیت به وضعیت حقوق بشر در میانمار به حساب می‌آید.

در واقع با فراهم شدن شرایط مناسب طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ در سطح مجمع عمومی و جامعه بین‌الملل، اعضای مؤثر شورای امنیت موفق شدند نهایتاً در سپتامبر ۲۰۰۶ وضعیت حقوق بشر در میانمار را

در دستور کار شورای امنیت قرار دهند. قرار گرفتن موضوع حقوق بشر در میانمار در دستور کار شورای امنیت که به‌رغم مخالفت چین و روسیه صورت پذیرفت، عزم جدی شورا برای تهدید تلقی کردن وضعیت حقوق بشر در میانمار علیه صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای را به نمایش گذاشت. به طوری که در مدت نزدیک به گذشت دو سال از این تحول، شورا توانست با استفاده از برخی وقایع حقوق بشری در این کشور به صدور چند بیانیه مبادرت نموده (۲۴) و حتی در جهت صدور قطعنامه نیز گام‌هایی بردارد.

ارجاع موضوع حقوق بشر میانمار به شورای امنیت اگرچه به عنوان یک موفقیت برای شورا به حساب می‌آید، اما اساساً با استمرار مخالفت چین و روسیه با هر گونه صدور قطعنامه تنبیهی اعم از اعمال تحریم‌های بین‌المللی و یا استفاده از زور علیه دولت این کشور، عملاً نتایج ملموسی برای اعمال فشار بیشتر بر میانمار به دنبال نخواهد داشت. مخالفت چین و روسیه با گنجاندن وضعیت حقوق بشری در میانمار در دستور کار شورای امنیت گویای این است که این کشورها از باز شدن مجدد آشکار باب مسائل حقوق بشری در شورای امنیت ناخشنود می‌باشند، به ویژه آنکه این حربه ممکن است عنداللزوم علیه خود این کشورها نیز بکار گرفته شود.

با این وجود نفس تحقق چنین رهیافتی از سوی شورا به عنوان یک موفقیت برای آن نهاد به شمار می‌رود و حتی می‌تواند دستمایه‌ای برای به کارگیری رهیافت مزبور در موارد مشابه قرار گیرد. اگرچه استمرار آن با مشکلات جدی نیز روبرو خواهد بود.

محسن امیدزمانی

اداره حقوق بشر - وزارت امور خارجه

۱. آونگ سان سوچی فرزند ژنرال آونگ سان رهبر استقلال برمه می باشد که در سال ۱۹۴۷ مورد سوء قصد قرار گرفت و کشته شد. خانم سوچی دوران تحصیلات عالی را در خارج از کشور بسر برده و پس از مراجعت به کشورش به صورت فعال وارد عرصه سیاسی گردید. وی در تاریخ ۲۴ سپتامبر سال ۱۹۸۸ حزب مجمع ملی برای دموکراسی را تأسیس و دبیر کلی این حزب را به عهده گرفت. حزب خانم سوچی در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۰ به پیروزی رسید ولی از رسیدن به قدرت بازماند. وی تاکنون چندین جایزه حقوق بشری از جمله جایزه صلح نوبل (۱۹۹۱) را دریافت کرده است. خانم سوچی از سال ۱۹۹۰ تاکنون به طور متناوب در زندان و بازداشت خانگی بوده است.

2. A/RES/46/132 – 17/Dec/1991
3. E/CN.4/RES/1992/58 (3 March 1992) establishing the mandate of a Special Rapporture on human rights in Myanmar.
4. A/RES/48/15.
5. E/1993/23
6. A/RES/58/247.
7. S/RES/1460 – 30 January 2003
8. A/RES/59/263.
9. S/RES/1539 – 22 April 2004.

11. The Security Council had its first ever briefing on Myanmar on 16 December 2005 after the US requested an official briefing from the UN Secretariat on the situation in Myanmar. At this briefing by Gambari, which the UN Secretary-General attended, the situation in Myanmar was described as a humanitarian emergency.

12. China's Ambassador Wang Guangya told the procedural meeting, in which no member has the right to veto, that neither Myanmar's neighbours nor most Asian countries recognize the situation in the country as any threat to regional peace and security.

13. S/2006/742.

14. As those conditions threatened to have a destabilizing impact on the region, the United States requested that the situation be placed on the Council's agenda

15. Representative of China in his statement for inclusion of Myanmar on the Council's agenda said that only threats to international peace and security according to the United Nations Charter warranted inclusion on the Council's agenda. If other issues, such as human rights, were also considered for inclusion, any country facing similar issues could be inscribed on the agenda as well, which was "preposterous". Few countries in the region thought the situation in Myanmar was a threat to peace and security and the fact that some countries from over the ocean thought otherwise was a far cry from reality.

16. SC/8832-15 September 2006.

17. S/2007/14 -12 January 2007.

(A/RES/61/232)

21. S/PRS/2007/37 -11 October 2007.

22. SC/9171 – 14 November 2007.

23. Security Council SC/9228 - 17 January 2008.

24. Human Rights Diplomacy, Rein Mullerson, First published 1997 by Routledge, 11 New Fetter Lane, London P. 166.